

لامحاله نسبت آن را هم خواهند کرد، و اگر باز هم مثل سابق صورت مساعدت و مجلس مفتوح، لکن همراهی واقعی و مساعدت مجدانه قلبی نباشد، باز هم دچار همان محاذیر دوساله و همان نا امنی و هرج و مرج و اغتشاشات و همین روزگاران سیاه خواهیم بود و مملکت از دست خواهد رفت.

و علی‌هذا وظیفه تاجداری و حفظ تاج و تخت سلطنت فعلاً منحصر در این است که چنانچه اعلیحضرت اقدس سلطان عثمانی با کمال مساعدت مجدانه، این اساس سعادت را استوارتر فرموده عنایات محبر العقول در این زمان قلیل مبذول و تمام مسلمانان روی زمین را، چنانچه ما هم برای شاهنشاهمان آرزومند و جز حسرت بهره نبردم، فدوی خود فرموده‌اند و رجال با کفایت و درایت دولت و ملت هم به عفو عمومی از طرفین و احتضار تمام تبعید شدگان سیاسی و سرگذشت گذشته نگفتن، همه با هم متحد و به اصلاحات لازمه مشغول و عملاً قریب نتایج مترتبه بر آن، بپوشانند و متعهد شوند؛ همین قسم اعلیحضرت اقدس شاهانه هم همین سحیه مرضیه را رفتار فرموده صحایف جراید و تسواریخ عالم را از فجایع این چند ماهه که اعظم وقایع عالم شمرده‌اند، شست و شو و جراحات صدور را مندمل و آراء صادره از مجلس را از روی واقع و حقیقت رای خود دانسته، در جلسه اولی همان عفو عمومی طرفین را اجراء و این تفرق کلمه و موجبات دوام ذکر سوء را به اتحاد کامل و دوام نیکنامی ابدی تبدیل، و تمام معاندین این اساس سعادت را محض تحفظ از سموم و ساوس انفاسشان از ساحت سلطنت تبعید فرموده، حقیقت سلطنت و لذت جهانیانی را به فدائی و جان نثاری عموم ملت و بسط بساط عدالت ادراک فرمایند، ان شاء الله تعالی.

بسم الله الرحمن الرحيم - این لایحه دولت خواهانه، مختصریست از مکنونات خاطر خدام شرع انور، و امید است که چنانچه با تجرید ذهن و از روی حقیقت رسمی به ملاحظه ملوکانه بگذرد، تریاق سموم و ساوس و انفاس و مفسدین و مغرضین گردد ان شاء الله و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم.

(الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

روز پنجشنبه ۱۲ محرم الحرام ۱۳۲۷ - امروز قدری کتاب برای کرمان ارسال داشته، به طور تحقیق شنیدم شب گذشته سردار معتقد که رفته بود قم برای جنگ با بختیاری‌ها مراجعت کرده و ناصرالدوله هم در حضرت عبدالعظیم هنوز توقف نموده است تلکراف سردار ارشد هم از باسج آمده است که رسیده است، طایفه بختیاری هم خیلی به معقولیت و نجابت رفتار می‌نمایند. ثلث مالیات را هم برای تهیه اردو کشی حواله داده‌اند. اقبال الدوله هم آمده است کاشان. و نیز مسوع گردید سبهدار هم نوشته است و اگر من

باید احتضار به طهران شوم ، وزیر مختار روس ضمانت نماید ، از آمدن مضایقه ندارم و خواهم آمد ، سفارت روس هم متقبل شده است که او را بخواهد .

امروز در باغشاه تمزیه مادر وهب می باشد ، سفراء را هم دعوت نموده اند که حاضر شوند و صنیع حضرت با بعضی از هر محله چند نفر سینه زن خواسته اند که شبیه به عرب شوند و سینه بزنند و بروند به باغشاه .

روز جمعه ۱۳ محرم [۱۳۲۷] - شب گذشته را در خانه جناب ذوالریاستین مهمان بودم و تا صبح آنجا بودم . جنابان میرزا ارسطوخان منشی سفارت انگلیس و سراج لشکر و رفعت الملک هم آمدند ، قدری صحبت داشتیم .

امروز مسموع گردید کرمان هم اغتشاش شده است ؛ صاحب اختیار را که حاکم بوده است بیرون کرده اند . دیگر هنوز صحت و سقم واقعه را نمی دانم . با واقعه اصفهان و اخراج اقبال الدوله حاکم با آن وضع ناهنجار ، دیگر برادرش صاحب اختیار مشکل است بتواند در کرمان توقف نماید . اخبار تبریز هم مختلف می رسد ، اعتماد به هیچ یک نباید .

روز شنبه ۱۴ محرم [الحرام ۱۳۲۷] - امروز طرف صبح را رفتم منزل جناب حاج محمد حسن خان و قدری پول از ایشان به عنوان قرض گرفته مراجعت نمودم به خانه . طرف عصر را رفتم منزل جناب ذوالریاستین ، آقا میرزا ارسطوخان منشی سفارت انگلیس هم آنجا بود .

سردار معتضد هم که از قم آمده بود ، با استعداد وافی باز روانه گردید . مسموع گردید فرمانفرما هم گویا مجدداً مأمور اصفهان گردیده است و امروز عصر در خیابان وزیر مخصوص فرمانفرما را دیدم با شیخ الاسلام قزوین ، چون اظهار آشنائیت نکرد ، من هم به او اعتنائی نکرده رد شدم .

دیگر مسموع گردید صدارت را خیال دارند بدهند به سعدالدوله .

روز یکشنبه ۱۵ محرم الحرام [۱۳۲۷] - امروز طرف صبح را رفتم منزل جناب آقا میرزا ابوالقاسم در آنجا شنیدم حاجی غفارخان از اصفهان آمده است و خیلی هم تعریف و توصیف از صمصام السلطنه نموده است . طرف عصر جناب احتشام الشریبه متولی مدرسه شیخ عبدالحسین مرحوم و جناب حاج جلال الممالک و حاج محمد حسن خان و آقا سید حسین مصدق تشریف آوردند تا غروب با هم مذاکره و صحبت داشتیم ؛ اخبار مختلفه نقل نمودند ، دیگر مطلب مهم و قابل ، مسموع نگردید . مسموع گردید سردار معتضد که مجدداً روانه قم شده بود . باز مراجعت نموده است .

روز دوشنبه ۱۶ محرم ۱۳۲۷ - امروز طرف صبح را رفتم حمام بند از آمدن به خانه ، اکبر خانه شاگردمان فرار کرده بود . طرف عصر را رفتم خانه حاج جلال الممالک ، آقا سید ابوالقاسم هم آمد . مذکور داشت رفته بودم در سفارتخانه جمعیت متحصنین خیلی

زیاد شده بودند ، نماینده اصناف هم آنجا بود ، روز به روز عده ایشان در تزايد بوده و می باشد .

تلگرافی هم از اصفهان به متحصنین مخابره شده است که صورت آن از این قرار است :

صورت تلگرافی که از طرف انجمن ولایتی و تمام اهالی اصفهان

به سفرای دول خارجه مقیم طهران مخابره شده است

۸ محرم ۱۳۲۷ - خدمت جنابان مستطابان وزراء مختار دول عثمانی و انگلیس و روس و آلمان و فرانسه و بلژیک و اطریش و آمریکا و هلند ، با کمال عجز و انکسار عرض می شود : نظر به رعایت نوع و حس انسانیت، عرایض ملت مظلوم ایران را به دول متبوعه خود اعلان نمائید که چون دولت ایران در عداد دول مشروطه معرفی و شناخته شده است ، پس اگر از طرف بعضی دول خارجه قرض به ایران داده شود و امتیازی بگیرند ، ملت ایران به هیچ وجه ضامن و ذمه دار آن قرض نخواهد بود ؛ مگر آنکه در موقع انعقاد پارلمان از طرف و کلاه و منتخبین ملت اجازه و جوب آن قرض و امتیاز داده شود .

(انجمن ولایتی و تمام اهالی اصفهان)

از منزل حاج جلال الممالک آمدیم منزل جناب آقا میرزا ابوالقاسم که صورت نوشته و حکم آقایان نجف را که عکس برداشته بودند آنجا دیده ، و از روی آن عکس ذیلا نوشته خواهد شد . در این اثناء جناب حاجی غفارخان قوام دیوان وارد شد و دوساعت تعریف و توصیف از مصمم و انجمن ولایتی اصفهان نمود و گفت با نهایت دین داری و معدلت خواهی رفتار می نماید و مطالبه مشروطه و حقوق خود را می نمایند .

صورت دستخط مبارك مطاع حجتی الاسلام و المسلمین آیت الله فی العالمین آقای آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقای حاجی شیخ عبدالله مازندرانی مع الله الصلین بطول بقائهما و ابدا الاسلام بهما که از روی عکس نوشته شد

طهران دهم شهر ذی الحجة الحرام ۱۳۲۶ - خدمت جنابان عمدتی العلماء الاعلام ملاذی الاسلام آقای حاجی سید محمد امامزاده و آقای صدر العلماء دامت برکاتهما ، احکام صادره از این خدام شرع انور بر وجوب اهتمام در مشروطیت دولت ایران و تشکیل مجلس شورای ملی عمومی و حرمت دادن مالیات به حکام حالیة بلاد جمیعا صحیح و صادر از داعیان است ، و نسبت صدور ناسخ احکام مزبوره از مرحوم مقدس آیه الله آقای حاجی قدس سره و این خادمان شریعت معطره کذب محض ، چگونه رفع ید و اعراض از چنین نعمت عظمی که موجب قطع تعدی و ارتکابات دلخواهانه ظالمین و مقدمه حفظ بیضه اسلام است ممکن ،

و صدور ناسخ در چنین امر واضحی که از اظهر ضروریات دین مبین است محتمل الصدور می باشد. شرح مراتب معروضه را به عموم مسلمین ابلاغ فرموده با کمال اتحاد و اتفاق کلمه در انفاذ احکام الهیه عزاسمه بذل جهد نمایند تا بعون الله نفوس و اعراض و اموال مسلمین بیش از این تلف نشود، و این بقیه ممالک اسلامی از استیلاء کفره محفوظ بماند و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. الاحقر عبدالله المازندرانی (سجع مهر مبارک: قال انی عبدالله) الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی (سجع مهر مبارک: محمد کاظم)

ایضا صورت دستخط مبارک که برای متحصنین حضرت عبدالعظیم رسیده است

که از روی عکس نوشته شده است

طهران پنجم شهر ذی الحجة الحرام ۱۳۲۶ - خدمت جناب مستطاب شریتمدار عمدة العلماء الاعلام ملاذالاسلام آقای آقا سیدعلی یزدی دامت برکاته، احکام صادره از این خدام شرع انور بر وجوب اهتمام در مشروطیت دولت ایران و تشکیل مجلس شورای ملی عمومی و حرمت دادن مالیات به حکام حالیه بلاد جمیعاً صحیح است و صادر از داعیان است و نسبت صدور ناسخ احکام مزبوره از مرحوم مقدس آیه الله آقای حاجی قدس سره و این خادمان شریعت مطهره از اکاذیب و مفتریات است. چگونه رفع ید و اعراض از چنین نعمت عظمی که موجب قطع تمدی و ارتکابات دلخواهانه ظالمین و متوقف علیه حفظ بیضه اسلام است ممکن، و صدور ناسخ در چنین امر واضحی که اظهر ضروریات دین مبین است محتمل الصدور تواند بود. ان شاء الله تعالی شرح مراتب معروضه را به عموم مسلمین ابلاغ فرموده با کمال اتحاد و اتفاق کلمه در انفاذ احکام الهیه عزاسمه بذل جهد نمایند، تا بعون الله تعالی و حسن تأیید نفوس و اعراض و اموال مسلمین بیش از این تلف نشود و این بقیه ممالک اسلامی از استیلاء و تصرف کفره مصون بماند. ان شاء الله و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی (محل مهر مبارک: محمد کاظم) الاحقر عبدالله المازندرانی (سجع مهر مبارک: قال انی عبدالله)

یک صفحه عکس دیگر خطاب به عموم مردم در دست آمد، در صفحه ۱۹۱ ۱ درج خواهد شد.

روز سه شنبه ۱۷ محرم ۱۳۲۷ - امروز طرف صبح را رقت منزل جناب مجدالاسلام. قدری نشسته، بحر العلوم و کیل کرمان آمده قدری مذاکره داشته، مسموع گردید صاحب اختیار از حکومت کرمان استعفاء نموده است و تلگراف کرده است «از من پیشرفت ندارد». و قدری هم اشعار خوانده شد. بحر العلوم رفت. معاون التجار و آقا میرزا حسن و کیل

کرمان آمدند . ظهر را نهار صرف کردیم . بعد از نهار آقامیرزا اسدالله خان نائینی که از جوانان با علم و عمل و مشروطه خواه است و در این ایام خیلی به درد مردم خورده است ، با حالتی که کاشف از مسرت و خرسندی بود ، وارد گردید . شیخ الممالک مدیر مجله استبداد هم وارد شد ، پس از قدری توقف مجیر الممالک و جناب آقاییحیی وکیل کرمان آمدند . طرف عصر را برخاسته آقا یحیی با مجدالاسلام و معاون التجار رفتند منزل فرمانفرما برای استماع روضه ، بنده نگارنده هم رفت در خانه جناب حاج ملاعباسعلی واعظ ، چه تا به امروز موعظه و صحبت این شخص واعظ مشهور را ندیده و نشنیده بودم .

جناب آقا میرزا اسدالله خان مذکور داشتند و رشت منشوش شده است ، سردار افخم آقابالاخان معین نظام را به قتل رسانیده اند . سردار امجد هم پناه آورده است به قونسلخانه روس . از این خبر حاضرین خوشحال شدند ، چه سردار ارشد شخص ظالم سفاکی بود . اول غروب را آمدم منزل جناب آقا میرزا ابوالقاسم این خبر را نقل کردم . فوراً به تلفون از اداره راه قزوین استعلام و استفسار نمودند ، یکی از دوستان ایشان جواب داد و رشت منشوش ، سردار افخم مفقود است نه زنده و نه مرده او را پیدا کرده اند .

دیگر آنکه جناب مجدالاسلام نقل کرد که شب گذشته را با رئیس اداره جهانیان جایی بودم ، تلگراف فوری برایش آوردند ، در تلگراف به رمز رسانیده بودند و سبصد نفر بختیاری^۱ و دوست نفر پیاده^۲ وارد باغ خان که متصل به دروازه است شده اند . رئیس اداره جهانیان متغیر شده و به سرش زد . مجدالاسلام گفته بود چه ربطی به تو دارد یزدرا تصرف کرده که محزون شدی ، جواب داد که لدی الورود از ماها پول می خواهند . دیگر آنکه مجدالاسلام نقل کرد که چهارصد نفر بختیاری وارد اردهال کاشان شده اند و شب گذشته يك منزلی کاشان را تصرف کرده اند . عده متحصنین سفارتخانه هم امروز از این اخبار زیاد شده اند .

روز چهارشنبه ۱۸ محرم - امروز جناب ذوالریاستین با اهل خانه تشریف آوردند بنده منزل ، قدری [صحبت] نمودیم . از رشت مسموع گردید سردار افخم و مستشار دفتر و دونفر دیگر را کشته اند ، اردویی مفصل که متجاوز از پانصد سوار و دو عراده توپ باشد به طرف رشت حرکت دادند . امروز يك نفر قزاق به تیر يك نفر سرباز کشته شد . روز پنجشنبه ۱۹ محرم - امروز از طرف متحصنین سفارتخانه به عموم اصناف خبر رسیده است که بر حسب حکم علمای عتبات باید تعطیل عمومی شود . و مسموع شد در بازار بعضی جار کشیده اند .

روز جمعه ۲۰ محرم ۱۳۲۷ - امروز بر عده سفارتی ها و مهاجرین به حضرت عبدالعظیم افزوده گردیده ، اردوی رشت در مهرآباد مانده اند و حرکت به رشت نکرده اند .

سالار منصور داماد سردار معتضد از قم مراجعت نموده است. سوارهای بختیاری ملحق شده‌اند به ایل خود. و جمعی که در اسفهان بوده‌اند، خوانین بختیاری که دولتی بودند تلگراف کرده‌اند به شاهزاده فرمانفرما که «یا ما را احضار کنید و یا اردو و سوار بفرستید که ما ماموریت خود را انجام دهیم».

روز شنبه ۲۱ محرم ۱۳۲۷ - امروز اکثر بازارها را بسته‌اند در خیابانها و کوچه‌ها هم قزاق زیادی می‌گردد، در میدان توپخانه هم چادر بسیاری زده‌اند، سربازهای جدید که هنوز لباس نپوشیده‌اند در میدان توپخانه حاضر می‌باشند. در سفارتخانه عثمانی هم صدالعلماء و آقا سید محمد امامزاده و آقا سید مهدی طباطبائی. با جمعی از تجار و کسبه حاضرند. از قرار مذکور صنیع حضرت گفته است من از ستارخان تبریز کمتر نمی‌باشم، در سید اسمعیل چادر زده‌اند برای تمزیه نشسته و جمعی الواط و اشرار هم دور او جمع شد، ولی فی‌الغور او را ساکت نموده و مانع شدند از احداث فساد جدید.

امروز در واگون شنیدم بختیاری‌ها یزد را بالمصره متصرف شدند. خداوند رحمی بفرماید، خصوصاً از نیمه حوت الی آخر ثور که منجمی خبری داد که در این تاریخ خود نمی‌توانم بنویسم، اگرچه العهدة علی‌الراوی. بنده نکارنده هرگز معتقد به اخبار منجمین و غیب‌گویندگان نمی‌باشد، ولی شنیدم از جناب ذوالریاستین کرمانی که گفت: سید اسداله منجم در سه‌ماه قبل به من گفت «از اول ثور شروع به انقلاب می‌شود، از نیمه حوت الی آخر ثور این مملکت را بی سلطان و بی ولیعهد می‌نگرم»، الخ. بنده نکارنده این خبر را دو سه ماه قبل باز از جناب ذوالریاستین شنیده و به جمعی از دوستان خود گفته، تا برسد نیمه حوت، و امروز ۲۲ دلو است بیست [و] سه‌روز دیگر منتظریم. اگر بخواست خداوند مانند صدق را دیده متعجب خواهم شد والا فلا.

طرف عصر جناب حاج جلال‌الممالک و آقا سید ابوالقاسم و آقا شیخ ابوالقاسم آمدند بنده منزل، يك صفحه عکس دستخط حجج اسلام عتبات از برایم آوردند که اینک درج گردیده و هذا سورتی:

دستخط حجج اسلام عتبات

بسم‌الله الرحمن الرحیم - عموم برادران دینی و قهه‌الله را اظهار می‌دارد: اکنون که جمعی کثیر و جمعی غفیر از اجله علمای اعلام کثرالله امثالهم و سایر طبقات انام محض قنوت و غیرت اسلامی و اعانت ملت و ترقیات و صیانت مملکت و اشاعه عدل و داد و رفع ظلم و بیداد [و] مطالبه حقوق مسلمین، رنج را برداشت مقدم داشته و علم همت افراشته در این سردی زمستان ترك خانمان کرده به زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم علیه‌السلام و سفارت علیه عثمانیه متحصن شده‌اند، بر جمیع مؤمنین واجب و متحتم است که هر کس هر قدر و هر طور ممکن است

همراهی از ایشان نموده ، به اتفاق و اتحاد قطع ریشه استبداد نمایند ؛ تا از برکات حجة عصر ارواح العالمین فداء موجبات آسایش و رفاه ملت و حفظ مملکت حاصل و رفع ظلم ظالمین و شر معاندین دین شده ، زیاده بر این اعراض و اموال و نفوس مسلمین تلف نشود . **إن شاء الله تعالی ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم** .
 حرره الاحقر عبدالله المازندرانی . من الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی .

روز یکشنبه ۲۲ محرم الحرام - بر جمعیت سفارتخانه افزوده و در حضرت عبدالعظیم هم خیلی از کسبه رفته و به متحصنین ملحق گردیده . امروز مسموع گردید کاشان هم به تصرف پختیاری آمد ، سپهدار را هم مأمور نموده که از تنکابن برود به رشت خداوند خودش رحم فرماید .

روز دوشنبه ۲۳ محرم ۱۳۲۷ - امروز بازارها تماماً بسته است . عده سوار ژاندارم و غیره در خیابان لاله زار و خیابان علاءالدوله با جمعی فراش و سرباز حاضرند و جداً مانع از ورود به سفارتخانه عثمانیه می باشند . حتی آنکه اشخاصی که در آن حوالی کار دارند مانع ذهاب و ایاب می باشند . دم دروازه حضرت عبدالعظیم هم مانع می باشند کسی برود به حضرت عبدالعظیم . باران هم امروز سخت می بارد ، قبل از ظهر را رفته منزل جناب حاج جلال الممالک ، جناب احتشام و آقا سید ابوالقاسم هم آمدند ظهر را نهار صرف کردیم تا دو ساعت به غروب آنجا بودیم . جناب حاج جلال الممالک مذکور داشت دیروز را رفته منزل جناب حاج محمد اسمعیل که دیدنی از او بکنم ، خیلی شکایت از وضع دربار نمود که « اعلیحضرت راضی شده است به دادن مجلس و مشروطیت ، ولی از سپهسالار و مفاخر المملک و شیخ فضل اله می ترسد و ملاحظه می کند . از آن جمله چند روز قبل صنیع الدوله و معین بوشهری و جمعی دیگر آمدند نزد من و مذاکره نمودند مملکت دارد از دست می رود ، بر شما لازم است اقدامی کنید . پس از اصرار و الحاح آنان با هم رفتیم باغ شاه ، در وقت مناسب حضور اعلیحضرت مشرف شدم و آنچه لازم بود به عرض رسانیدم ، شاه فرمود : آنچه صلاح می دانید اقدام کنید ، من درباب مشروطیت دولت راضی شده ام . بعد از قول صحیح آمدیم پیغام دادیم به اشخاصی که در سفارتخانه بودند و نوشتم که : اعلیحضرت از دادن مشروطیت و مجلس امتناعی ندارند بیائید بیرون و نشسته مذاکراتی که لازم است کرده برویم حضور شاه و دستخط را بگیریم . آنها در اول امر باور نمی کردند ، پس از یقین و علم جواب دادند : هر چه بگوئی می شنویم ولی از اینجا خارج نمی شویم تا دستخط برسد . مجدداً رفته که حضور شاه برسم ، دیدم اعلیحضرت را منصرف کرده اند ، پس من دیگر از دولت و ملت مأیوس شده و امیدی به اصلاح ندارم . و نیز شکایت کرد از بی دخلی ضرابخانه که ضرابخانه وقتی دخل داشت که نقره را مثقالی دو عباسی می خریدند ، حالا که باید مثقالی چهار عباسی خرید دیگر دخلی ندارد ، و نیز گفت

که با مترجم یا مؤلف کتاب ابراهیم بیک نهایت دوستی را سالها داشته ، این ایام کاغذی برایش نوشته است از خارجه که من بواسطه مکاتبات و مراسلات شما متهم شده‌ام ، دیگر برای من کاغذ ننویسید .

دیگر مسموع گردید دو روز است حاج غفارخان را گرفته‌اند و در خانه مؤیدالدوله حاکم طهران محبوس است ، آقا میرزا مصطفی آشتیانی توسط از او کرده‌است ، مؤیدالدوله گفته است ، اگر او را رها کنم باز او را گرفته و خواهند کشت ، پس صلاح او در این است که در حبس من باشد که بهتر است از محبس انبار دولتی ، و گویا اقبال‌الدوله از کاشان چیزی درباره مشارالیه نوشته است ولی صحبت‌های او در مجالس و تعریف و توصیف از مصمم و بختیاری‌ها باعث گرفتاری او شده است .

و نیز شنیدم ارشدالدوله را در آذربایجان به قتل رسانیده‌اند ، و گویا در همان جنگ سیزده تن کشته شده است ، اگرچه برادرش حشمة الممالک طرف‌عصر فرستاده بود که بیاید نزد من و من در خانه نبودم ، معلوم می‌شود که سلامت است و الاحشمة الممالک نمی‌آمد دیدن من .

روز سه‌شنبه ۲۴ محرم - امروز بازارها نیز بسته است . طرف صبح تکرک و باران جزئی آمد ولی بعد هوا صاف شده است . شیخ فضل‌الله هم بهتر شده است ، ولی از خانه هنوز بیرون نیامده است . تفنگ‌های دولتی را که سابق فروخته بودند در دست هر کس که ببینند می‌گیرند مگر آنکه بلیط از بریکاد داشته باشد . مردم هم به واهمه افتاده‌اند ، در خیال جمع ذخیره و آذوقه می‌باشند ، خداوند خودش رحم فرماید و الا با این وضع کار خراب است خصوص بر ما فقراء و ضعفاء ، لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم .

طرف عصر را رفتم منزل جناب آقا میرزا ابوالقاسم طباطبائی ، مطلب مهمی نشنیدم جز اینکه از سفارتی‌ها پیغام برایش آمده بود که مردم را تحریر و ترغیب کنید به آمدن به سفارتخانه ، دیگر مطلبی قابل مذاکره نشد .

روز چهارشنبه ۲۵ محرم ۱۳۲۷ - امروز بازارها بقرار هر روز بسته و تعطیل عمومی است . در زاویه مقدس حضرت عبدالعظیم جمعیتی زیاد متحصن شده‌اند ، در خیابان علامه‌الدوله هم ژاندارم بقرار هر روز مانع رفتن مردم به سفارتخانه می‌باشند . مسموع گردید صاحب اختیار حاکم کرمان از حکومت کرمان استعفا داده است ، گویا خیال دارند صدق الدوله را بعنوان حکومت بفرستند .

روز پنجشنبه ۲۶ محرم ۱ - امروز بواسطه درد پهلو از خانه بیرون نرفته ، مقارن ظهر جناب ذوالریاستین آمد منزل بنده ، مذاکره از اغتشاش رشت نمود و گفت سپه‌دار در

رشت با ملت ساخته و به ولی نعمت خود خیانت نموده است و گویا به سردار افخم نوشته بودند که اگر سپهدار از روی رشت آمد که برود به قزوین او را . . . نماید . قبل از رسیدن سپهدار به رشت ، سردار افخم با سه نفر از اجزاء خود به دست چند نفر از اهل قفقاز کشته شد ، به این جهت سپهدار مخالفت می نماید .

طرف عصر جناب آقا یحیی آمدند ، مذکور داشت که بازارها را بسته اند و در کوچه و خیابان اگر کوله بسته و باری دست کسی ببینند می گیرند به بهانه اینکه اسباب بازار را به خانه می برند . و نیز مذکور داشت که مؤید الممالک مدیر صبح صادق را در نجف گرفته و محبوس نموده اند به اتهام اینکه خیال داشته است جناب آخوند ملاکاظم را مسموم نماید . دیگر اخبار و اراجیف بسیار ذکر شد که هیچکدام قابل نوشتن نمی باشد . و نیز مسموم شد سپهسالار را خیال دارند عزل نمایند .

دو ساعت به غروب مهدیقلی اخ الزوجه آمد ، او هم نقل کرد شهر خیلی شلوغ و مغشوش است . حکومت کرمان صدق الدوله هم دروغ است . دیگر آنکه جناب آقا یحیی ذکر کرد که از کرمان تلگراف کرده اند آقا باقر مجتهد کرمان مرحوم شده است . و حالات آقا باقر را ان شاء اله در موقع می نویسم .

روز جمعه ۲۷ محرم ۱۳۲۷ - دیشب گذشته حشمة الممالک برادر ارشد الدوله آمد بنده منزل ، تا سه ساعت از شب گذشته اینجا بود و گفت تلگرافی از ارشد الدوله رسیده است که با دو هزار سوار و دو عراده توپ وارد تبریز شده است ، از سایرین صاحب منصبان تلگراف رسیده است که ما هم ملحق به سردار ارشد می شویم ، ولی سپهسالار گفت هر کس اول وارد شده است فتح را او کرده است . و مذکور داشت تمام محلات تبریز گرفته شده است مگر یک محله و ارگ و آن محله را هم نزدیک است فتح نمایند ، می ماند ارگ ، آن را هم به محاصره و بستن آذوقه به روی آنها فتح خواهند نمود . و خیلی شکایت کرد از بی پولی و اینکه قروض سردار ارشد را هنوز نداده اند . در باب اصفهان هم گفت همین روزها به صلح می گذرد فقط می ماند امر گیلان و سپهدار ، آن هم بعد از فتح تبریز گرفتار خواهد شد . باری خیلی حرف زد که خارج از تاریخ روزانه من است .

امروز بازارها بسته است ، در حضرت عبدالعظیم هم متحصنین خیلی جمع شده اند . بنده نگارنده بواسطه شرب مهل امروز را نتوانستم از خانه بیرون بروم ، امروز سه روز است که از خانه بیرون نرفته ام . شخصی قناد امروز آمد پنج من کاغذ روزنامه خرید و بحمدالله تمالی پول بقدر مخارج برایم می رسد بدون آنکه تملق از احدی بگویم ، خداوند که ما را خلق کرده است مخارج ما را بخوبی می رساند الحمدلله رب العالمین ، امروز ضعیفتر و عاجزتر و بیگوارتر از من احدی نیست که نه کاری دارم و نه می توانم با احدی

مراوده نمایم ، لکن خدای من که قادر و توانا می باشد بخوبی رزق و روزی مرا با پنج نفر عیال و بستگان و آمد و شد مهمانهای محترم می رساند ، پس بنده باید اندکی توکل داشته باشد و بطور صحت و راستی با خالق و مخلوق راه رود تا خدا که مسبب الاسباب است او را بخوبی نگاهداری نماید .

روز شنبه ۲۸ محرم - امروز بازارها بسته ، طرف عصر را رفتم منزل جناب آقا یحیی ، مذکور داشت فرمانفرما از اصفهان معزول شده است بواسطه اینکه پنجاه هزار تومان برای مواجب اردو خواسته و به او ندادند . و مذکور داشت نظام الملک وزیر عدلیه آمد و سبب استعفاء را استفسار کرد ، فرمانفرما جواب داد من با حسین پاشا خان امیر بهادر بدم و او با من بد است و اگر ریاست اردو را قبول کنم ، به قم نرسیده مرا مفتضح و رسوا خواهد نمود ، پس در این ضعف دولت و این عداوت سه سالار و این بی پولی مگر من دیوانه ام که از خانه خود بیرون روم . و نیز گفته شد مجدداً اسلام و صدالانام و میرزا ابراهیم خان منشی سابق سفارت فرانسه از طهران رفته اند به اصفهان ، که میرزا ابراهیم خان در اصفهان بماند و صدالانام برود به فارس و مجدداً اسلام برود به کرمان برای بیداری مردم و هیجان ملت . تلگراف آنها از اصفهان آمده است . بعضی هم می گویند این سه نفر به اشاره دولت رفته اند که مردم را از دولت بیم و خوف دهند و ضمناً راپرت نویسی هم بکنند . و نیز از آقا زاده صدراشرف که در بین راه ایشان را ملاقات کرده ، شنیدیم که امروز از رشت تلفن شده است : شیخ علی زرگر را در رشت در حالتی که در بالای منبر حمایت از دولت کرده است به قتل رسانیده اند . و نیز مسموع گردید آقا میرزا مهدی پسر شیخ فضل الله ، اجناس و گندم و برنج املاک پدرش را فروخته ، پول نقدی دست آورده ، سی نفر تفنگچی مهیا و با خود همدست کرده و مخارج آنها را متقبل شده است و آنها را برداشته وارد رشت شده است و رفته است بالای منبر و پسر خود را لعن و سب نموده است . و نیز مسموع گردید از رشت تلفن کرده اند : یا مشروطیت را بدهید و یا آماده جنگ باشید . و نیز مسموع گردید شیخ فضل الله و ملا محمد آملی و حاج محمد اسمعیل مفازه و یک نفر دیگر پیام داده اند به سفارتخانه روس که ما خیال داریم از ترس جان و حفظ نفوس خود پناه به سفارتخانه آوریم ، ولی سفارت روس قبول نکرده و آنها را جواب داده است .

در مسئله تبریز ، مسموع شد که پس از تصرف تبریز باز اردو را عقب نشانیده اند . و در مسئله اصفهان ، مسموع گردید تلگرافی رسیده است که اگر مشروطیت را دادند باید قانون اساسی تغییر نکند ، اگر یک فصل از فصول قانون اساسی تغییر کند ماها قبول نمی کنیم .

امروز بازارها بکلی بسته و تعطیل عمومی است . عده متحصنین حضرت عبدالعظیم به هفت هزار رسیده است . دیروز آقا سید علی آقا خواسته است منبر رود ، قزاق مانع شده است